

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چراغ گریه

مؤلف: ر. خوش طینت

چاپ اول

زمستان ۱۳۹۱

سرشناسه : ر . خوش طینت
عنوان و پدید آور : چرخ گردون ، خوش طینت ، ر ، مولف ، ۱۳۳۴
مشخصات نشر : ثابت قدم . مشهد
تعداد صفحات : ۱۱۶ صفحه
موضوع : ادبیات ، جملات قصار ، آموزشی و اخلاقی
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
شابک : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۱۱۵۳ - ۹ - ۶
رده بندی دیویی : ۴ ن ۳ ص / ۳۲۴
رده بندی کنگره : ۶۵۳۲۷۹ کتابخانه ملی ایران ۶۵۹

چرخ گردون

مؤلف : ر . خوش طینت
ناشر : ثابت قدم (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی و تنظیم : کانون آگهی و تبلیغات فرهنگ شهر - مسلم بیگ زاده
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۱
چاپ : مدیران
قیمت : ۴۵۰۰۰ ریال
شابک : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۱۱۵۳ - ۹ - ۶
تلفن مرکز پخش : ۰۵۱۱ - ۵۰۹۶۱۴۵

www.chaponashr.ir/arastu

من آن غریب دیروز،

آشنای امروز و فراموش شده فردایم،

در آشنایی امروزمی نویسم تا،

در فراموشی فردا، یادم کنی!

برای سالهای بعدی نویسم، سالهای بعدی که: چشمان تو عاشق می شوند،
افسوس که: قصه مادر بزرگ، درست بود، همیشه یکی بود، یکی نبود!

فهرست

صفحه	عنوان
۱۱.....	پیروردگار
۱۵.....	دوستی
۲۱.....	دل / قلب
۲۵.....	عشق
۳۳.....	زمان
۳۷.....	زندگی
۴۵.....	سکوت
۴۷.....	زبان و سخن
۵۱.....	جهان
۵۲.....	روح
۵۵.....	انسان
۵۷.....	آرزو
۶۱.....	خوشبختی
۶۳.....	تنهایی
۶۵.....	بفشار
۶۹.....	مهربانی
۷۱.....	شادی
۷۳.....	آرامش
۷۵.....	صبر و تحمل
۷۷.....	پندها
۷۹.....	زیبایی
۸۱.....	آرزو
۸۵.....	ایمان و امید

۸۷.....	عمر و مرتب
۸۹.....	قدر
۹۱.....	کلمه و نوشتن
۹۳.....	مطالعه و کتاب
۹۵.....	کار
۹۷.....	موقفیت
۱۰۳.....	محرقت
۱۰۵.....	فضاوت
۱۰۷.....	(ع)

سروردگار

❖

سروردگار کوید: تو ای زیبا تر از خورشید زیبایم، تو ای والاترین ممان دنیایم، بدان آغوش من باز است، شروع کن، بکقدم با تو، تمام گامهای مانده اش، با من!.

- به خدا گفتم: جهان را قسمت کنیم، آسمان مال من، ابرهایش مال تو، دریا مال من، موجهایش مال تو، ماه مال من، خورشید مال تو، خدا خنده ای کرد و گفت: تو بندگی کن، همه مال تو، حتی من!
- بگذار سرنوشت هر راهی را که: می خواهد برود، ما را همان جداست، بگذار این ابرها تا میتوانند ببارند، چترمان خداست!.
- کوشیدن، زمین خوردن، برخاستن و دوباره کوشیدن، مهم است، اما بگذارید به خداوند اجازه دهیم که: ما را کمک کند در میانه تلاشی بزرگ به خود بنگریم و به او اجازه دهیم که: خود را آشکار کند و ما را هدایت کند، بیایید به او اجازه دهیم که: گاهی ما را در آغوش بگیرد.
- خداوند همه آن چیزی است که: در زیر آسمان وجود دارد، او برق درخشانی است که: خانه را می سوزاند و دست انسان است که: خانه را دوباره می سازد. به گرداگرد خود بنگرید تا او را ببینید که: با کودکان شما بازی می کند، به آسمان بنگرید، او را خواهید دید که: در میان ابرها گام بر می دارد و دستهایش را در

آذرخش دراز می کند ، تا باران فرود آید ، ا و را خواهی دید که در گلهای می خندد و بر می خیزد و دستهایش را در درختها تکان می دهد.

- خدا: تنها روزنه امیدی هست که:هیچگاه بسته نمیشود، تنها کسی است که: با دهان بسته هم میتوان، صدایش کرد، با پای شکسته هم میتوان بسراغش رفت، تنها خریداریست که: اجناس شکسته را، بهتر بر میدارد، تنها کسی است که: وقتی همه رفتند، می ماند، وقتی همه پشت کردند، آغوش می گشاید، وقتی همه تنهائیت گذاشتند، محرمت میشود، و تنها سلطانی است که: دلش با بخشیدن، آرام می گیرد، نه با تنبیه!

- خداوند بی نهایت است و لامکان و بی زمان، اما بقدر فهم تو کوچک میشود، بقدر نیاز تو، فرود می آید، بقدر آرزوی تو گسترده میشود و بقدر ایمان تو، کارگشا میگردد! (حکیم بزرگ. ملاصدرا)

- خدا: تنها معشوقی است که: عاشقانش بهم، حسادت نمی کنند! آنسوی همه دلتنگیها، خدایی هست که: داشتن همه نداشتن هاست!

- خداوند در هر جا که به او اجازه ورود بدهند ، زندگی می کند .

- خداوند بهترینهای خود را به آنها می بخشد که: حق انتخاب را، به او می سپارند!

- خداوند، همیشه برای هر یک از ما، کاری انجام میدهد، هر کدام از ما میتوانیم در هر زمان، وارد خانه خدا شویم، همه ما میتوانیم، فقط اگر کلید را، بچرخانیم!

(جی.پی. واسوانی)

- گاهی خداوند درها و پنجره ها را می بندد، و قفل می کند، زیباست که: فکر کنیم، بیرون طوفان می آید و خداوند میخواهد، از ما محافظت کند!

- خداگوید: من آن حضور سبزی خواهم بود که: اندک نگاهی به من، دلها را، به تپش خواهد انداخت! (رسول رحقانی)

- برکت خدا مثل باران است، اگر می بینی که: خیس نمی شوی، جایت را عوض کن!

- خداوند همواره با همه سخن می گوید: نکته این نیست که خدا با چه کسی سخن می گوید، نکته اینست که: چه کسی، گوش میدهد!
- سخن خداوند به بندگانش: گاه کوچکم می بینی و گاه بزرگ، نه کوچکم و نه بزرگ، این خودت هستی که: گاه دور می شوی و گاه نزدیک!
- گنجشگ به خدا گفت: لانه کوچکی داشتم، آرامگاه خستگی ام، سر پناه بی کسی ام، طوفان تو، آنرا از من گرفت، خدا گفت: ماری در راه لانه ات بود و تو در خواب بودی، باد را گفتم: لانه ات را خراب کند، تا به تو آسیبی، نرسد!
- هزاران دهقان، برای نزول باران، گریه می کردند، ولی خداوند، دلش با کودکی بود که: چکمه اش، سوراخ بود!
- در ساحل دریای زندگی قدم میزدم، همه جا رد پای دو نفر را دیدم، جای پای من و خدا، به سخت ترین لحظه ها که: رسیدم، فقط یک جای پا دیدم، گفتم: مرا در سخت ترین لحظه ها رها کردی؟!، ندا آمد: تو را در سخت ترین لحظه ها، بدوش کشیدم!
- پیمانی را که در طوفان زندگی، با خدا می بندی، در آرامش، فراموش نکن!
- جایی در پشت ذهن، بخاطر بسپار که: اثر انگشت خداوند، بر همه چیز هست!
- خدا همه چیز را در یک روز نیافرید، چه چیز باعث شده که: فکر کنیم، همه چیز باید در یک روز، درست شود!؟!
- خداوند به سه طریق، به دعاها، ما، پاسخ میدهد:
- می گوید: آری، و همان را میدهد، می گوید: نه، بهتر از آنرا، می دهد و می گوید: صبر کن، بهترین را، میدهد!
- به دنبال خدا نگرد، خدا در بیابانهای خالی نیست، خدا در جمع عزیزترین هاست، خدا در دستبست که: به یاری می گیری، در قلببست که: شاد می کنی، در لبخندبست که: بر لب می نشانی، خدا در بتکده و مسجد نیست، در عطر خوش نان و در جشن و

سروریست که: بر پا میکنی، خدا سرانجام از ما خواهد پرسید: آیا زندگی را زنده گی، کرده ای؟!.

- بیخودی پرسه زدیم، صبحمان شب بشود، بیخودی حرف زدیم، سهممان کم نشود، ما خدا را با خود سر دعوا، بردیم، و قسم ها خوردیم، ما به هم بد کردیم، ما به هم بد گفتیم، ما حقیقت را زیر پا، له کردیم، و چقدر خوش بودیم که: زرنگی کردیم، روی هر حادثه ای حرفی از پول زدیم، از شما میپرسم؟ ما که را، گول زدیم؟!.

- آموختم: در دل آنچه خدا بخواهد، مصلحتی نهفته است، که درک نکردن آن، دلیلی بر نبودنش نیست، آموختم: دلواپسی ها، تا وقتی او را حس کنم، بهانه زیبای دعوت او هستند، آموختم: وقتی رها هستم... زندگی چه با شکوه است، و کسی بامن است که: بسیار تواناتر از من، قادر به گشودن گره های کور، است!.

- شانس: نام مستعار خداوند است، آنجا که نمیخواهد، امضایش پای داده هایش باشد!.

- خدا گوید: غمگین مشو عزیز دل، مثل هوا کنار توام، نه جای کسی را تنگ می کنم، نه کسی مرا می بیند، نه صدایم را می شنود، دوری مکن، تو نخواهی بود، اگر من نباشم!.
(محمد . شمس لنگرودی)

- از من پرسید: دوستم داری؟ گفتم: آری، پرسید: چقدر؟ گفتم: از اینجا تا خدا، چشمانش پر از اشک شد و گفت: مگر نمی گویی، خداوند از همه چیز بماند، نزدیکتر است؟!.

دوستی

دست را بمن بده تا از آتش بگذریم، آن‌ها که سوختند همه تنها بودند. (زرشت)

- ای صمیمی، ای دوست،
گاه و بیگاه، لب پنجره خاطره ام می آیی،
ای قدیمی، ای خوب، تو مرا یاد کنی یا، نکنی، من بیاد هستم،
آرزویم همه سر سبزی توست،
دائم از خنده لبانت لبریز، دامنت پر گل باد! (سهراب سپهری)
- دوست آن کسی است که: در کنارم نیست، اما حس بودنش به من، شوق زیستن می دهد!
- این موهبت الهیست که: صبحگاه چشم بگشایی و یادت بیاید، عزیزی داری، آبی تر از آسمان، روشنتر از صبح، زلالتر از شبنم، عزیزی که: خود خورشید است!
- تو را نادیدن ما، غم نباشد، که در خیل ات به از ما، کم نباشد، چه بسیار است در جهان گل‌های نیکو، ولیکن چون تو، در عالم نباشد!
- دوستی: مثل ایستادن بر روی سیمان خیس است، هرچه بیشتر بمانی، رفتنت سخت تر میشود، و اگر رفتی، جای پاهایت برای همیشه، بجای میماند!

- دوستی: مثل درخت است، اینکه چقدر می تواند بلند بشود، مهم نیست، مهم اینست که چقدر ریشه اش، میتواند عمیق، باشد؟!.
 - دوستان: تکه های پازل هستند، اگر یکی گم شود، آن پازل هیچوقت کامل نمیشود، و هیچ چیز جایش را نمی گیرد، تو آن یک تکه ای هستی که هیچوقت گمت نمی کنم!.
 - دوست واقعی: کسی است که دستهای تو را بگیرد، ولی قلب تو را، لمس کند!.
- (مارکز)
- از موريس مترلینگ پرسيدند: دوست بهتر است يا برادر؟ گفت: ما در انتخاب برادر، نقشی نداريم، اما دوست، برادری است که: خودمان، انتخاب می کنیم!.
 - دوستان خوب: مثل ستاره اند، ممکن است بعضی وقتها دیده نشوند ولی، همیشه هستند!.
 - فرشته ها: همیشه وجود دارند، چون بال ندارند، به آنها میگوییم: دوست، تقدیم به فرشته بی بالم، که به داشتنش، می بالم!.
 - هریک از ما، فرشته هایی هستیم که: تنها یک بال داریم و فقط هنگامی قادر به پروازیم که، به یکدیگر، بپیوندیم!.
 - دوستی با مردم دانا، چو ذرین کوزه ایست، نشکند و بشکند، بازش توانی ساختن، دوستی با مردم نادان، سفالین کوزه ایست، بشکند و نشکند، باید به دور انداختن!.
 - نوشته های روی شن ساحل، مهمان اولین موج دریا هستند، اما حکاکیهایی روی سنگ، مهمان همیشگی تاریخنند، و دوستان خوب حک شدگان روی قلبند و ماندگاران ابدی!.
 - لذت داشتن یک دوست خوب، توی دنیا، مثل خوردن یک فنجان قهوه گرم، زیر برف است، درست است که: هوارا، گرم نمی کند، ولی دل آدم را، گرم می کند!.

- آسمون به ماه میگه: دوستی یعنی چه؟ ماه میگه: یعنی بودن در کنار تو، ماه میگه: تو بگو دوستی یعنی چه؟ آسمون میگه: انتظار دیدن تو!
- کسی را که: دوست داری، برایش نه ستاره باش و نه خورشید، بلکه: آسمان باش تا، همیشه بالای سرش باشی!
- کسی باش که: عمری با تو بودن، یک لحظه و لحظه ای، بی تو بودن، یک عمر باشد!
- دنیا به من یاد داد که: در فراق عزیزان، صبور باشم، ولی به من یاد نداد، کسی را که دوست دارم، فراموش کنم!
- در دنیا دو نفر باش، یکی برای خودت و یکی برای دیگران، برای خودت زندگی کن، و برای دیگران، زندگی باش!
- گاهی اوقات، لیز خوردن، بهانه ایست تا، دستهایی را که دوست دارید، محکمتر بگیرید!
- دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند، نشاید که به یک دم، بیازارند! (سعدی)
- موشی، در خانه صاحب مزرعه تله موشی دید، و به مرغ و گوسفند و گاو خبر داد، همه گفتند: تله موش مشکل توست، به ما ربطی ندارد، ماری در تله افتاد و زن مزرعه دار را گزید، از مرغ برایش سوپ درست کردند، گوسفند را برای عیادت کنندگان، سر بریدند، و گاو را برای مراسم ترحیم کشتند، و در این مدت، موش از سوراخ دیوار نگاه میکرد، و به مشکلی که، به دیگران ربط نداشت، فکر میکرد!
- اگر میخواهی دوستیت، پابرجا بماند، هیچگاه با دوستت، شریک نشو! (ارد بزرگ)
- اگر زندگی یک پرتقال در دستانتان نهاد، آنرا پوست بکنید و بدنبال دوستی باشید تا، با او، قسمت کنید!

- دوستت دارم: اما نمیتوانی مرا در بند کنی، همچنان که: آبشار نتوانست، همچنانکه: دریاچه و ابر نتوانستند و بند آب، نتوانست، پس مرا دوست بدار، آنچنانکه: هستم و در به بند کشیدن روح و نگاه من، مکوش! (عاده السمان)
- دوست داشتن: دل مهربان میخواهد نه، دلیل قانع کننده، اگر از روی دشمنی یک گلی را پرپر کنند، نمیتوانند، عطرش را، پنهان کنند!
- انتظار و توقع بی جا، نداشته باش، همه دوست تو، هستند! (تاغور)
- همه برایم دست تکان دادند، اما کم بودند دستانی که: تکانم دادند، دوست و دست، بسیار است، ولی، دست دوست، اندک!
- کاش رفاقت آدمها: مثل دست و چشم بود، وقتی دست زخمی می شود، چشم برایش گریه می کند، وقتی چشم گریه می کند، دست اشکهایش را، پاک می کند!
- آدمها در دو حالت همدیگر را ترک می کنند، اول اینکه: احساس کنند کسی دوستشان ندارد و دوم اینکه: احساس کنند، یکی، خیلی دوستشان دارد! (ویکتور هوگو)
- بعلت بارش بیوفایی: جاده دوستی، لغزنده است، لطفا: با محبت حرکت کنید!
- جاودان باد سایه دوستانی که: شادی را علتند نه شریک و غم را شریکند، نه دلیل!
- میگویند: اگر یک دوست جزئی از خاطرات خوب زندگی شد، برای بودنش از او تشکر کن!
- شاید کسی را که: با او خندیده ای، فراموش کنی، اما هرگز کسی را که: با او گریسته ای، از یاد نخواهی برد!
- وقتی از کسی که: دوستش دارید هیچ خبری نیست، خوشحال باشید، چون حتما حالش خوب است و همه چیز روبراهست که: تو از یادش رفته ای!

- من همیشه ادعا نمی کنم که: بیاد آنهایی هستم که دوستشان دارم، اما ادعا می کنم که: حتی در لحظاتی که به یادشان نیستم، دوستشان دارم.
(دکتر علی شریعتی)
- من باور دارم که: همیشه باید کسانی را که، دوست داریم را، با کلمات و عبارات زیبا و دوستانه ترک گوئیم؛ زیرا ممکن است آخرین باری باشد که، آنها را می بینیم!
- فاصله گرفتن از آدمهایی که: دوستشان داریم، آموزنده است؛ زیرا، زمان نشان خواهد داد که: هیچ جانشینی برای آنها نیست! (نلسون ماندلا)
- دوستی انتخاب کن که : دلش بزرگ باشد ، تا مجبور نشوی برای جا شدن در دلش ، خود را کوچک کنی .
- همه را دوست بدار ، اما به عده کمی اعتماد کن! (شکسپیر)
- مرا اندکی دوست بدار؛ اما طولانی! (کریستوفر. مارلو)
- دوستی برتر و دشمنی بدتر از خودم، سراغ ندارم!